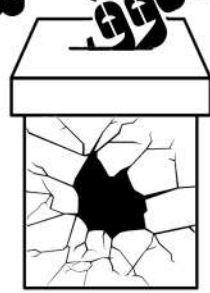




انتخابات
شکسته
صنادیوق



صفحه ۳

آشفته
تنگی
امنیتی

صفحه ۱



شرایط امروز منطقه جنوب غرب آسیا و جنگ ظالمانه رژیم اشغالگر بر علیه مردم غزه، برای همگان روشن است. در این بین حوادث تروریستی هدمند و دقیق در ایران عزیزمان، نشان از نقش فعال دشمنان و تضعیف نهادهای امنیتی به دلایل مختلف است

از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ تا امروز، اتفاقاتی چون حادثه تروریستی راسک، مزار شهید سردار سلیمانی در کرمان و همچنین انفجارهای خطوط لوله سراسری انتقال گاز نشان می‌دهد دشمن به وسیله عواملی مختلف در هر زمان، بهترین نقطه ضعف کشور را محاسبه کرده و به خوبی نشانه می‌گیرد.

این اعمال هوشمندانه دشمن در حالی است که نهادهای امنیتی کشور در این سالها به دلایل مختلفی - که در ادامه اشاره خواهد شد تضعیف شده است؛ و بهترین گواه، حوادث تروریستی متعددی است که در این سالها روی داده است. این ضعف موجب شرایط امنیتی نگران کننده‌ای برای کشور شده است و هر یک از این حوادث در این دو ماه اخیر نشان می‌دهد که کشور دچار حفره‌های عمیقی در بخش اطلاعاتی - امنیتی است که باید هر چه سریع‌تر نسبت به این موضوع مهم رسیدگی خاص شود. این شرایط تلخ درحالی است که سالیان قبل با وجود حجم بالای عملیات‌های تروریستی بر علیه کشورمان سیستم اطلاعاتی - امنیتی از دقت و عملکرد مطلوبی برخوردار بوده است. در ادامه به علل هر حادثه به صورت خلاصه می‌پردازیم.

حادثه راسک:

این حادثه با حمله گروهکی تروریستی به مقر انتظامی شهرستان راسک روی داد و موجب شهادت ۱۱ نفر از کارکنان انتظامی این مقر شد.

پس از جنگ ۷ اکتبر و توقف عادی‌سازی روابط عربستان با اسرائیل به دلیل جنگ و به تبع آن شکست پروژه کریدور «عرب - مدیترانه» اسرائیل در جواب، مهم‌ترین کریدور ایران را با این حادثه امنیتی تهدید نظامی کرد. کریدور جنوب - شمال ایران از نزدیکی شهر راسک عبور می‌کند و اسرائیل نشان داد تا توانایی ناامن‌سازی این کریدور را دارد. در این شرایط که اسرائیل از شکست کریدور حیاتی‌اش و عدم ایجاد روابط دیپلماتیک با عربستان به عنوان مهم‌ترین کشور عربی عصبانی است، دست به این حادثه می‌زند. البته پس از این حادثه گروهک تروریستی جیش‌الظلم مسئولیت این حادثه را برعهده گرفت؛ اما انگشت اتهام همچنان به سوی اسرائیل است.

حادثه مزار شهدای کرمان:

مهم‌ترین حادثه تروریستی معاصر ایران با نزدیک به ۱۰۰ نفر شهید و حدود ۲۴۸ نفر زخمی، نشان از عملیاتی بزرگ با پشتیبانی امنیتی - اطلاعاتی قوی است. این حادثه در سالگرد شهادت شهید سلیمانی به وسیله عوامل انتحاری در مزار شهدای کرمان روی داد.

یک روز پس از این حادثه، گروه تروریستی داعش مسئولیت این عملیات را برعهده گرفت اما برهمگان مشخص است که حامی اصلی و سرسخت این گروه تروریستی، رژیم اشغالگر است و از ساعات اولیه حادثه انگشت اشاره مسئولین امنیتی کشور به سمت اسرائیل نشانه گرفته شد.

با این وجود، مقامات امریکا و اسرائیل به صورت رسمی و غیر رسمی نقش خود در این حادثه را تکذیب کردند؛ اما به طور حتم در ریختن خون شهیدان این حادثه، اسرائیل همدست بزرگ داعش است.

حادثه انفجار در خط گاز:

در ۲۵ بهمن‌ماه سال جاری، خطوط شماره ۱ و ۱۰ انتقال گاز در استان‌های فارس و چهارمحال و بختیاری دچار انفجار شد. این شریان‌ها نقش اصلی و تعیین کننده‌ای در گازرسانی به شهرهای تهران و مشهد را دارا هستند و این حادثه به خوبی نشان دهنده این موضوع است که دشمن به طور دقیق از زیرساخت‌های انتقال گاز و انرژی مطلع است. چند روز بعد خبرگزاری نیویورک تایمز به نقل از مقامات غربی، اسرائیل را به عنوان مقصر این انفجار معرفی کرد. ناگفته نماند که موضوع ناترازی انرژی در ایران به شدت در حال افزایش است و این موضوع اگر به این صورت در سالهای آینده افزایشی باشد؛ قطعاً در بخش صنعت و خانگی ایجاد نارضایتی خواهد کرد و دشمن نسبت به این موضوع شناخت ویژه‌ای دارد و اثر خود را خواهد گذاشت.

در این بخش به دلایل ضعف سیستم امنیتی خواهیم پرداخت.

در ۵ سال اخیر، ضعف سیستم امنیتی در کشور به دلیل حملات تروریستی موفق، به وضوح ملموس است سیستم اطلاعاتی - امنیتی کشور در طول سالها، به سبب حجم بالای کشف و خنثی‌سازی عملیات‌های تروریستی، یکی از موفق‌ترین و قوی‌ترین سیستم‌های امنیتی در منطقه بوده است.

دلایل مختلفی در ضعف عملکرد سیستم امنیتی نقش دارند؛ از جمله نگاه ایدئولوژیک در جذب و ارتقا نیروهای امنیتی، درگیر کردن بخش امنیتی به موضوعات بی‌اهمیتی هم‌چون حجاب، وجود نفوذ در ساختار امنیتی کشور و ورود افراد بیگانه به کار امنیتی و اطلاعاتی.

امروزه با توجه به شرایط امنیتی و نظامی رژیم کودک‌کش و همچنین وجود سیستمی ناکارآمد در بخش‌های مختلف کشورمان، هر حرکت انتقام جویانه‌ای که به دور از فضای عقلانی و ناشی از احساسات ما باشد؛ نتیجه ناگواری خواهد داشت و در شرایط فعلی رصد و بهبود نقاط ضعف کشور و وارد کردن ضرباتی هوشمندانه به نقاط ضعف دشمن، می‌تواند بهترین پاسخ به زیاده‌خواهی دشمنان این آب و خاک باشد.





سید محمد صالح قائمی راد مهندسی عمران، ۹۸



اگر در زمانی که اولین انتخابات ریاست جمهوری در بهمن‌ماه سال ۱۳۵۸ با حضور کاندیدیهایی از قبیل ابوالحسن بنی صدر، داریوش فروهر و صادق طباطبایی شکل می‌گرفت و حتی پس از آن در انتخابات مجلس شورای اسلامی که احزاب مختلف از جمله نهضت آزادی، جامعه روحانیت مبارز و احزاب چپ‌گرا توانستند کرسی‌هایی از مجلس را تصاحب کنند؛ گفته می‌شد که ۴۴ سال بعد، انتخابات به چه شکل و شمایلی و با حضور چه چهره‌هایی قرار است برگزار شود، کمتر کسی حرفشان را باور می‌کرد. اما واقعیت در سال ۱۴۰۲ این چنین است که می‌بینیم.

کلمه جمهوری در عبارت «جمهوری اسلامی» که نظام حاکم بر کشورمان ایران را نمایان می‌کند؛ در حال محو شدن است و تمامی ارکان حاکم در سیستم، به گونه‌ای انتخاب می‌شوند که کمتر اثرگذاری از توده‌های مردم در آن به چشم می‌خورد. احزاب سیاسی معنای واقعی خود را یعنی تاثیرگذاری مستقیم در ساختار حاکمیت و پیدا کردن حالت رسمی برای مشارکت در انتخابات دارا نیستند و سیستم نظارت استصوابی هم عملاً دست خیلی از جریان‌ها و تفکرات سیاسی را برای مشارکت در انتخابات بسته است.

قدرت نهادهای انتخابی هم در ساختار جمهوری اسلامی هر روز کمتر می‌شود و حجم کثیری از تصمیمات سیاسی از جمله مسائل اقتصادی و روابط بین‌الملل در حوزه تصمیم‌گیری ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی نیستند. همه این‌ها دلایلی هستند که نه تنها اثر انتخابات را کم‌رنگ می‌کنند؛ بلکه موجب می‌شوند تا مردم هم رغبتی برای شرکت در انتخابات نداشته باشند.

شاید بهترین جلوه از انتخابات‌هایی که بیشتر حالت نمایشی به خود گرفتند را در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۴۰۰ دید که بیشتر از نیمی از واجدین شرایط در انتخابات شرکت نکردند و بعد از نفر اول، آرای باطله با قریب به ۴.۵ میلیون رای، رتبه دوم را کسب کرده بود.

حال با اعلام افراد تائید صلاحیت شده در انتخاب مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری، که نه تنها تفاوت در گرایش‌های سیاسی را کم‌رنگ‌تر از گذشته کرده بلکه می‌توان عدم حضور چهره‌های امنیتی و سیاسی را هم در آن دید، می‌توان به این نتیجه رسید که این رویه در حال ادامه است و هیچ‌گونه عزمی برای افزایش میزان مشارکت و افزایش تاثیرگذاری مستقیم مردم در سرنوشتشان دیده نمی‌شود.



احمد یوسفی
کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی
دبیر اسبق فرهنگی انجمن اسلامی

دانشگاه حداقل از دو جهت نماد است. یکی آن که نماد علم است و دیگری نماد بخشی از تحرکات اجتماعی و سیاسی است؛ در هر دو جهت هم وجود اختلافات نمادی از پویایی و حرکت دار بودن آن است.

هر کدام از این جهت‌ها اگر تحت‌تاثیر امری خصوصاً امور بیرونی و نهادهای قدرت، دچار اختلال شود آن وجه نماد بودن دچار خدشه شده و کم‌کم در وظیفه‌ی اصلی خود دچار مشکل خواهد شد و این مشکل خود را در جاهایی که قرار است دانشگاه موثر باشد، نشان می‌دهد.

نهاد علم بودن دانشگاه که مجموعه‌ای از افراد و سیستم‌های آموزشی است برای ترویج و گسترش علم به معنای عام آن است. استاد و دانشجو و مجموعه‌ی کادر آموزشی، اهم اجزای این نهاد در این جهت هستند و این یک رویه‌ای تا حدودی مشخص دارد که پیشرفت آن در گرو تضارب آراء می‌باشد. حذف هر یک از این اجزاء یا پیشگیری تاثیر مثبت هر یک از این اجزاء به دلایلی غیر از روند علمی یا روند طبیعی، این سیستم را دچار اختلال کرده و مشکلات بعدی را به دنبال دارد. شاید بتوان علم را از آن جهت که وظیفه‌ی کشف واقعیت دارد فی نفسه بی‌جهت بدانیم اما همیشه یکی از اسباب قدرت بوده است. همین است که علم موضوع جالبی برای صاحبان قدرت بوده و هر کدام خواسته‌اند که جهت علم را همسو با خود کنند. اما نکته‌ی بسیار مهم این است که این هم‌سویی نیز از خود، قواعدی دارد و اولین قاعده‌ی آن این است که علم و نهاد آن باید در این جهت، سیر طبیعی خود را داشته‌باشد در غیر این صورت یک امر خودبنیان‌کن خواهد شد. چرا که تاثیر دادن امر غیر علمی در روند علمی، موجب از هم پاشیدن آن می‌شود و به مرور زمان صاحبان علم از این نهاد دوری خواهند گزید. این طبیعی است که وقتی با تاثیر دادن روندهای غیر علمی بخواهید بر سیر طبیعی نهاد علم، افراد شاخص آن را طرد کنید به مرور زمان حتی عالمان شاخص همسو هم از این سیر ناامید شده و روز به روز این نهاد خالی‌تر و تهی‌تر خواهد شد. سیل طرد نخبگان، به مهاجرت عادی‌ترین افراد نیز خواهد رسید.

در جهت تحرکات اجتماعی و سیاسی، هم دانشجو و هم استاد هر دو به عنوان بخشی از افراد جامعه، به‌طور طبیعی این حق را دارند که دارای هرگونه نظر سیاسی، فرهنگی یا اجتماعی باشند و برای تحقق آن بکوشند. اما شرط مهم، این است که در یک شرایط برابر و مساعد با کم‌ترین دخالت برهم‌زننده‌ی نظم بیرونی [اتفاق بیوفتد]

این تحرکات از این جهت نیکوست که تضمین‌کننده‌ی بخشی از سلامت جامعه می‌باشد، یک رقابت اجتماعی و سیاسی برای بالاتر بردن بهره‌مندی همگانی از شرایط و امکانات.

اما زمانی که دخالت‌های نهاد بیرونی، نظم و تعادل را بر هم‌زند، به تبع آن، موجب برهم خوردن نظم و تعادل در جامعه می‌شود. این موارد، امری هستند که شاید بدیهی باشند و نیازی به تامل درباره‌ی ملازمه‌ی میان این‌ها نباشد چرا که با اندک تاملی بر روی حقوق آدمیان من جمله آزادی می‌توان آن را تصدیق نمود. ولی ظاهراً نهادهای بیرونی از درک همین بدیهیات هم عاجز شده‌اند که روند دخالت‌های پی‌درپی و ناصواب شدت گرفته و روزی نیست که از گوشه و کنار خبری از حذف و تعلیق و تعدیل اساتید خوشنام دانشگاه‌های خرد و کلان، به گوش نرسد. تداوم این وضعیت در خوش‌بینانه‌ترین حالت، موجب قطع روندهای طبیعی جامعه برای حل مشکلات خویش است و ناامیدی را برای افراد موثر جامعه برای حل مشکلات مستولی می‌کند و در نتیجه جامعه برای رهایی از مشکلات پیش رو دست به انتحار می‌زند.



سجاد غلامی

کارشناسی اقتصاد، ۱۴۰۰



مهداد فدایی دولت

کارشناسی اقتصاد، ۱۴۰۰

مصاحبه ذیل در ۳ قسمت نگارش شده که طی شماره‌های آینده نشریه تقدیم مخاطبان خواهد شد.
بخش اول:

گفتگو درباره تورم ایران و علل آن با دکتر مهدی بهنام، دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد و دکترای اقتصاد از دانشگاه سوربون فرانسه (بخش اول علل اصلی تورم ایران)

- لطفا درباره انواع مختلف تورم و عمده ساختار تورمی در ایران توضیحاتی بفرمایید.

+ در اقتصاد، تورم‌های مختلفی داریم مانند تورم ساختاری، تورم انتظاری، تورم فصلی و انواع مختلف دیگر. منتهی نمیتوان همیشه با دید تئوریک نگاه کرد و باید دید شرایط موجود چیست و چه عواملی دست به دست هم داده‌اند که این تورم شکل گرفته است و فروکش نمی‌کند و نمی‌توان آن را کنترل کرد. البته عواملی که گفته می‌شود تقریباً یک جنبه نظری دارد و باید به صورت عملی هم تست شود اما موضوعاتی وجود دارد که در تئوری‌های اقتصادی بررسی می‌شود. به طور مثال، ممکن است در مورد عامل X بگوییم عملاً در این شرایط صدق نمی‌کند که این‌ها باید در مدل‌های اقتصادسنجی و مدل‌های مربوط به سنجش، اندازه‌گیری شود و مشخص شود که سهم حجم پول یا سهم دلار در تورم واقعاً چقدر است اما این‌ها کار نشده است؛ ولی با توجه به شناخت از وضعیت اقتصاد ایران و تئوری‌های اثرگذار بر تورم یکسری مطالب در اینجا گفته می‌شود اما هیچ‌کدام از این‌ها تست نشده است و جنبه نظری دارد.

- از نظر شما مهم‌ترین علت تورم در ایران چیست؟

+ تورم موجود در کشور ما ریشه‌های مختلف دارد و مهم‌ترین آن‌ها به برجام برمی‌گردد؛ چون هشتاد درصد دلار ما از نفت تأمین می‌شود و این سهم از دلار، با وجود تحریم‌ها بسته شده است و طبق قانون اقتصاد با کم شدن عرضه، قیمت بالا می‌رود و با بالا رفتن دلار تمامی اجناس گران می‌شوند. به طور مثال یک خودکار را با قیمت یک دلار وارد کرده‌ایم و دلار سه هزار تومان بوده است. خودکار را چهار هزار تومان در بازار می‌فروشیم. اما حالا دلار پنجاه هزار تومان شده است و در بازار همان خودکار شصت هزار تومان فروخته می‌شود؛ این مصداق بارز تورم است. پس مهم‌ترین عاملی که در این برهه زمانی باعث تورم می‌شود؛ برجام است که جلوی ورود ارز گرفته شده است و افزایش قیمت ارز، در حالی که در کشور ما حدود هشتاد درصد کالاهای سرمایه‌ای و دستگاه‌های کارخانجات وارداتی است؛ باعث می‌شود با گران شدن دستگاه‌ها و جبر کارخانه‌دار به خرید آنها، کالاهای تولیدی با قیمت بالاتری فروخته شود. یک مورد دیگر که می‌تواند عامل تورم شود نقدینگی است. در حال حاضر، زمانی که دولت با کسری بودجه مواجه می‌شود؛ معمولاً به افزایش نقدینگی و حجم پول رو می‌آورد و می‌خواهد با افزایش نقدینگی، کسری بودجه خود را جبران کند که افزایش نقدینگی شدیداً تورم‌زا است.

- علت تورم‌زا بودن افزایش حجم نقدینگی را توضیح دهید.

+ یک اقتصاد را در نظر بگیرید که در آن دو خودکار تولید می‌شود و ده هزار تومان هم پول در این اقتصاد است. پس هر خودکار پنج هزار تومان ارزش دارد. حال اگر چیزی تغییر نکند و ده هزار تومان پول را به صد هزار تومان افزایش دهیم؛ هر خودکار پنجاه هزار تومان قیمت‌گذاری خواهد شد. یعنی زمانی که حجم پول زیاد می‌شود؛ قیمت‌ها نیز بالا می‌روند و نمی‌توان جلوی آن را نیز گرفت. البته لازم به ذکر است که این مثال بسیار ساده است و مکانیزم آن متفاوت است.

- آقای دکتر، نقش مردم در پیدایش و افزایش تورم چیست؟

+ نقش مردم در تورم بسیار پر رنگ است. از عوامل مهم تاثیرگذار بر تورم که می‌توان نام برد، تورم انتظاری است که خود این عامل می‌تواند به اندازه دو عامل قبلی وزن در تورم داشته باشد. وقتی که مردم انتظار دارند قیمت‌ها همچنان بالا برود؛ تلاش می‌کنند پول‌های خود را خرج کنند و هیچکس قصد پس انداز ندارد و می‌خواهند یک چیز بخرند تا ارزش پول‌شان کم نشود.

به طور مثال در زیمبابوه که تورم میلیارد درصدی در سال داشتند، تا زمانی که کارمندی حقوق خود را بگیرد و به جهت حفظ ارزش پول خود، آن را تبدیل به دلار کند؛ به دلیل بالا بودن سرعت تورم، بخش زیادی از ارزش آن از بین می‌رفته است. پس تورم انتظاری بسیار مهم است. وقتی مردم انتظار بالا رفتن قیمت را دارند؛ با زیاد کردن تقاضا باعث افزایش قیمت‌ها می‌شوند.

اگر الان اقتصاد آمریکا را دنبال کنید می‌بینید که آن‌ها تا شش الی هفت ماه پیش تورم ۹ درصدی را داشتند و تمرکز اصلی خود را بر روی تورم انتظاری گذاشته بودند؛ البته سیاست‌های انقباضی را در پیش گرفتند و نرخ بهره را کاهش دادند و دائم طوری صحبت می‌کردند که به مردم القا کنند ما می‌خواهیم تورم را کنترل کنیم تا انتظارات را کنترل شود. یعنی به مردم هشدار می‌دادند که قیمت‌ها پایین خواهد آمد تا میزان خرید آن‌ها کمتر شود.

- یعنی دلار و نقدینگی عامل اصلی است و انتظارات تورمی آن‌ها را بیشتر می‌کند؟

+ بله اینها بیشتر است.

حال این عوامل همه دست به دست هم داده‌اند که به اینجا رسیده‌ایم و باید همه این‌ها آرام آرام حل شوند؛ درست مثل سیستم حمل و نقل ریلی که اول باید ریل گذاری شود، بعد واگن گذاری و بعد از آن با هزینه پایین همه چیز درست کار می‌کند.

وقتی که مشکلات ساختاری از بین برود کارشناسان اقتصادی و حتی دانشجویان کارشناسی هم می‌توانند اقتصاد را کنترل کنند. مگر اقتصادهای برتر دنیا چه می‌کنند؟ در آنجا هم بحران پیش می‌آید. سیستم اقتصادی مانند انسان است و مریض می‌شود مگر ما مریض می‌شویم چه می‌کنیم؟ چند روز حالمان ناخوش است و

دارو می‌خوریم و حالمان خوب می‌شود. سیستم‌های پیشرفته اقتصادی هم همین است. با بحران رو به رو می‌شوند اما نمی‌گویند دیگر تمام شد و نابود شدیم؛ می‌آیند و سیاست‌گذاری می‌کنند و مشکل را حل می‌کنند. در آمریکا، اروپا و کشورهای دیگر، سیاست‌گذاران بانک مرکزی تنها چهار سیاست دارند: سیاست انقباضی پولی،

انبساطی پولی، انقباضی مالی و انبساطی مالی. در اقتصاد هزاران تئوری داریم که همه را کنار گذاشته‌اند و تنها با همین چهار سیاست کار می‌کنند که فارغ‌التحصیلان مقطع کارشناسی هم آن‌ها را یاد دارند. پس می‌توان با این‌ها کنترل کرد اما به شرط آنکه ریل گذاری شده باشد.

اگر در حال حاضر نخست باید ریل گذاری شود و ساختار درست شود؛ پس از آن با دو سیاست کوچک می‌توان مشکل را حل کرد. به طور مثال، اقتصاد آمریکا را نگاه کنید که ۱/۹ درصد تورم تا شش الی هفت ماه پیش داشت که تنها با پایین آوردن هر دو ماه نیم درصد یا بیست و پنج صدم درصد، هم اکنون تورم ۵ درصدی

دارد که گفته‌اند تا دو سال دیگر به ۲ درصد می‌رسد و هیچ سیاست دیگری اعمال نکردند و تنها با کنترل نرخ بهره به اینجا رسیده‌اند که هنوز هم راضی نیستند.

- حال نقش مدیران در اقتصاد و تورم چگونه است؟

+ البته نقش مدیران نیز بسیار تاثیر گذار است مثلاً...

پایان بخش اول مصاحبه

بن بن بست است بنزین

سید علیرضا حسینی
دبیر اسبق انجمن اسلامی



بنزین مهم‌ترین ماده استخراجی از نفت، از دیرباز در تمامی کشورها مورد مطالعه و اهمیت بوده‌است؛ زیرا بخش قابل توجهی از حمل‌ونقل به این ماده حیاتی وابسته است و این در حالی‌ست که حتی دولت‌های حاکم در دوران‌های مختلف، نسبت به بنزین، نگاه امنیتی نیز داشته‌اند. در آبان‌ماه ۱۳۹۸ تغییر قیمت بنزین زمینه‌ساز اتفاقات تلخ برای کشورمان شد که مبین عدم مدیریت صحیح مسئولین در تولید و قیمت‌گذاری این ماده بوده‌است؛ کما اینکه در شرایطی که مصرف از تولید پیشی می‌گیرد، مسئولین تنها به افزایش قیمت رجوع می‌کنند. در ماجرای بنزین باید اشاره کرد که از سال ۱۳۹۹ دولت از یک واردکننده بنزین به صادر کننده بنزین بدل شد که بدون شک این توان صادراتی بدون احداث مجتمع پالایشگاهی «ستاره خلیج فارس» در سال ۱۳۹۸ و اصلاح قیمت در همان سال و به تبع آن کاهش مصرف سوخت دور از دسترس بود.

اکنون که ناترازی انرژی گریبان‌گیر کشور شده‌است، ناترازی تولید و مصرف بنزین در کشور هر ماه در حال افزایش است و این مسئله در حال تبدیل به موضوعی پیچیده و امنیتی است؛ که به عوامل مختلفی از جمله عدم مدیریت درست در منابع، تحریم، مصرف بالای انرژی، خودروهای فرسوده، قاچاق و غیره مربوط است. از جهتی دیگر دولت بدون همراهی مردم و اقناع افکار عمومی ناتوان از افزایش قیمت سوخت است و در غیر این صورت، افزایش قیمت بنزین بدون برنامه دقیق، تکرار اتفاقات آبان ۹۸ را رقم می‌زند.

به گفته عضو کمیسیون صنعت مجلس، تولید بنزین کشور از ۱۰۵ میلیون لیتر پیشی نمی‌گیرد در حالی که مصرف روزانه حدود ۱۲۰ میلیون لیتر بنزین می‌باشد. این اختلاف میان تولید و مصرف باید از طریق واردات جبران شود، گرچه کشور در حوزه ارز با مشکلات متعددی روبه‌رو است و چگونگی تامین آن بسیار نگران‌کننده است، همچنین اگر دولت به سمت تهاثر بنزین با نفت خام برود نیز، دولت متضرر خواهد بود. از این‌رو دولت برای مدیریت صحیح این مسئله باید راهکارهای متعددی ارائه کند تا کمتر با بحران‌های چند لایه و امنیتی ناترازی انرژی و بنزین مواجهه شود.

این راهکارها به دو بخش داخلی و خارجی تقسیم می‌شود:

۱. حوزه خارجی

دولت باید ابتدا تحریم‌ها را رفع کند تا ارتباط صنعت نفت کشور با شرکت‌های بزرگ نفتی برقرار شود. این روابط زمینه جذب سرمایه‌گذاری‌های درست و عظیم در بخش بالادستی، میان‌دستی و پایین‌دستی صنعت نفت می‌شود تا بدین‌گونه افزایش تولید بنزین، امری قطعی شود. همچنین باعث تسهیل ورود شرکت‌های مطرح جهانی خودروسازی و حمل‌ونقل شود.

۲. حوزه داخلی

در این قسمت دولت باید همگام با اقناع افکار عمومی و همراهی مردم به سمت افزایش تدریجی قیمت بنزین برود. کنترل جدی بر قاچاق سوخت در مرزها داشته‌باشد و سود حاصل از عدم قاچاق را در نقاط مرزی در جهت اشتغال مرزنشینان سرمایه‌گذاری کند. با نوسازی حمل‌ونقل عمومی و واردات ناوگان، فرهنگ استفاده از وسایل عمومی را گسترش دهد. صنعت خودروسازی کشور را با برنامه‌ای جامع و دقیق متحول کند؛ از جمله:

- واردات خودروهای هیبریدی در جهت کاهش مصرف سوخت اتومبیل و تغییر در رانندگی خودروهای داخلی.

در انتها دولت به سرعت پروژه‌های پالایشگاهی شهید سلیمانی و ستاره مکران را تکمیل کند تا تولید بنزین با کیفیت در کشور افزایش پیدا کند.

بی‌شک این راهکارها تمامی مشکلات موجود بخش انرژی و بنزین را حل نمی‌کند اما بخش‌های زیادی از مشکلات را می‌کاهد.

امید است تا مدیران کشور عقلانیت و آینده‌نگری را چهارچوب تصمیمات خود قرار بدهند تا ایران و ایرانی روزهای بهتری را ببینند.



پلیسی و راهبردهای امنیتی اجتماعی

مهسا محمدی
حقوق، ۹۸



امنیت مهم‌ترین نیاز جوامع بشری است که همواره در معرض تهدیدات گوناگون قرار داشته و هیچ‌گاه دارای ثبات، دوام و پایداری نبوده‌است. در این میان رویکردهای گوناگون پلیسی نیز نتوانسته‌اند پاسخگوی نیاز بشر در این زمینه باشند.

امنیت نیازی اساسی و همگانی است که تصور بی‌نیازی از آن محال است. امنیت موهبتی است که در سایه آن، زندگی جریان می‌گیرد و با کم و کاستی آن، نبض هستی به کندی می‌گراید و در نبودش، حیات می‌میرد. بنابراین، اهمیت و ضرورت امنیت در پیوند ناگسستنی آن با زندگی است. هنگامی که جنگ‌ها به خاموشی می‌گریند و زندگی در روال عادی جاری است و تصور آمال و آرزوها ممکن است، گمان می‌رود امنیت زیاد هم در سلسله مراتب اهمیت، جایگاه رفیعی ندارد. درحالی که این تصور به دلیل غفلت انسان از امور پیش می‌آید. چنان‌که در بسیاری از مواقع، آدمی سلامتی را در هیاهوی تلاش‌های روزمره از یاد می‌برد.

امروزه سلامت اجتماعی به عنوان یکی از ابعاد سلامت در کنار سلامت جسمی، روانی و معنوی، نقش و اهمیت گسترده‌ای یافته‌است. به‌گونه‌ای که دیگر سلامتی، تنها عاری بودن از بیماری‌های جسمی و روانی نیست بلکه چگونگی عملکرد انسان در روابط اجتماعی و چگونگی تفکر وی از اجتماع نیز به عنوان معیارهای ارزیابی سلامت فرد و در سطح کلان، جامعه به شمار می‌رود.

یکی از عواملی که به‌طور گسترده، با میزان سلامت اجتماعی افراد در ارتباط است، امنیت اجتماعی است که از جمله نهادهای متولی تأمین آن در اجتماع، پلیس است. فقدان سلامت اجتماعی، حاصل عدم جذب افراد در چارچوب‌های اجتماعی و در نتیجه عدم جامعه‌پذیری صحیح آن‌هاست. بنابراین سلامت اجتماعی عامل مهمی در کنترل آسیب‌ها و مسائل اجتماعی و حفظ نظم اجتماعی و در نهایت تأمین امنیت اجتماعی است.

امروزه کیفیت روابط اجتماعی در برنامه‌ریزی‌های اجتماعی، نقش مهمی را بر عهده دارد؛ چرا که با گسترش و تفکیک نقش‌ها و تخصصی شدن امور که به گسترش جریان تمایزپذیری می‌انجامد، فرد در برابر دو نیروی متناقض قرار می‌گیرد. از یک‌سو این شرایط، قدرت انتخاب فرد را افزایش می‌دهد چون او را در برابر انتخاب‌های متعدّد قرار می‌دهد و این افزایش قدرت انتخاب، زمینه آزادی فرد را فراهم می‌آورد. از سوی دیگر، به جهت تخصصی شدن امور در تمام اجزای زندگی، فرد به دیگران وابسته شده و در این اتکالی بیش از حد به دیگران، ناخواسته آزادی محدود می‌شود. این وضعیت متناقض در روابط اجتماعی، بر تمام مسائل اجتماعی از جمله امنیت تأثیرگذار است. تحقیقات پژوهشگران نشان داده است هنگامی که مردم پنداشت مثبت و مناسبی از سرمایه اجتماعی پلیس داشته باشند نه تنها با دیدن پلیس احساس امنیت می‌کنند بلکه پلیس را در انجام بهتر امور یاری کرده و کنش جمعی آن‌ها با پلیس بهتر می‌شود. پلیس مهم‌ترین سازمان متولی نظم و امنیت در هر جامعه است و در این میان سرمایه اجتماعی به مثابه دارایی، در اختیار جامعه و کنش‌گران اجتماعی است. جامعه و کنشگران با بهره‌مندی از مؤلفه‌هایی نظیر: اعتماد، مشارکت داوطلبانه، هنجارهای حرفه‌ای، پاسخگویی و دیگر عناصری که در ذیل چتر خود دارد، به پلیس کمک می‌کند تا هزینه‌های مدیریتی را نظیر نظارت و کنترل رسمی کاهش داده و امکان استفاده از زمان و دیگر منابع و سرمایه‌ها را در جهت انجام فعالیت‌هایی با بهره‌وری بیشتر فراهم می‌کند. از نظر اغلب اندیشمندان حوزه سرمایه اجتماعی، اعتماد به‌عنوان مهم‌ترین بُعد سرمایه اجتماعی، سازوکاری برای ایجاد انسجام و وحدت در نظام‌های اجتماعی و تسهیل‌گر مشارکت، تعاون اجتماعی و پرورش ارزش‌های مردم‌سالارانه است.

پلیس نهاد اصلی تأمین نظم و امنیت محسوب می‌گردد. امروزه نهاد پلیس که وظایف و مأموریت‌های بسیار حساس را در ارتباط با برقراری نظم و امنیت در جامعه برعهده دارد، رویکرد جامعه‌محوری را جایگزین رویکرد تهدیدمحوری نموده تا بر پایه تعامل و مشارکت‌های مردمی، مأموریت‌های خود را به انجام رساند. این رویکرد بدین سبب شکل گرفته که تحقق امنیت جامعه‌محور بدون مشارکت و همکاری شهروندان ممکن نیست. این رویکرد و ویژگی‌های آن را می‌توان در سازه‌ای به نام سرمایه اجتماعی جمع نمود.

اگر امنیت در سطح جامعه وجود داشته باشد، فعالیت‌های سالم اجتماعی زمینه بروز پیدا می‌کند. افراد به راحتی و با هزینه کمتر اقتصادی و اجتماعی، خواهند توانست برنامه‌های خود را در راستای برنامه‌های جامع کشور و در جهت توسعه و اصلاح امور جاری جامعه، ارائه داده و احساس مشارکت کنند. اما اگر امنیت اجتماعی وجود نداشته باشد، فعالیت‌های سالم بی‌ثبات می‌شود و فعالیت‌های ناسالم و حتی مخل نظام اجتماعی جایگزین آن می‌گردد. این موارد، توسعه اجتماعی را هم تحت تأثیر قرار می‌دهد. لذا احساس امنیت که رشد و حیات آن منوط به وجود امنیت سیاسی-اجتماعی است، با کلیه پدیده‌های اجتماعی ارتباط تنگاتنگی دارد و بدین لحاظ از اهمیت ویژه‌ای نیز برخوردار است. شکل حقوقی امنیت اجتماعی براساس نظم عمومی، در اصول قانون اساسی تجلی می‌یابد. اصول مذکور که نشان دهنده اراده ملی و میثاق جمعی است، از بارزترین مصادیق نظم عمومی به‌شمار می‌آیند. پس با برقراری نظم عمومی، افراد جامعه از حقوق خویش برخوردار گشته و ادامه زندگی در تمامی ابعاد، بدون احساس خطر میسر خواهد شد.

راهکارها و پیشنهادها سازمان‌های نظامی و انتظامی از جمله پلیس، می‌بایست فعالیت خود را در زمینه ایجاد امنیت و نیز بالابردن اعتماد اجتماعی به‌صورت جدی بکار گیرند؛ زیرا اگر احساس نبود امنیت در بین تعدادی از مردم (و یا حتی در بعضی از زمینه‌ها) به وجود آید، خیلی سریع به شکل تضاعد هندسی میان عموم مردم شایع می‌شود و در سطح اجتماع گسترش یافته و از این طریق، احساس ناامنی و بی‌اعتمادی در میان مردم نسبت به همدیگر به‌وجود می‌آید. نتیجه مطالعات نشان می‌دهد که تداوم مشروعیت وجودی سازمان‌ها، بستگی به رضایت ارباب رجوع و مردم از آن‌ها دارد. از این رو

سازمان‌ها باید به خواسته‌های مردم احترام گذاشته و در جهت تحقق اهداف جمعی فعالیت کنند. در این راستا باید خاطر نشان ساخت که مهم‌ترین ویژگی هر سازمانی، عملکرد آن است و عملکرد سازمان، خصوصاً سازمان‌های دولتی نیز در گرو فعالیت کارکنان و مسئولان آن سازمان است.

از این رو، اگر عملکرد سازمان مثبت و در راستای پاسخگویی به نیازهای مردم باشد، می‌تواند موجب نوعی امنیت روانی و رضایت در آن‌ها و در نتیجه، جلب و تداوم اعتماد آن‌ها شود. بنابراین، سازمان‌ها باید توجه داشته باشند که همیشه در معرض دید مردم قرار داشته و قضاوت می‌شوند و اگر طبق اهداف تعریف‌شده حرکت نکنند، فلسفه وجودی آن‌ها زیر سؤال می‌رود.

منابع:

کتاب جامعه‌شناسی خانوادگی، موقر رحیمی

ماندل رابرت چهره متغیر امنیت ملی

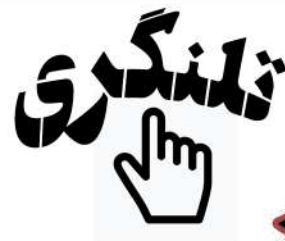
قانون اساسی جمهوری اسلامی

فصل‌نامه انتظامی (درآمدی بر احساس امنیت در بستر امنیت عینی)، محمود رجبی پور

۱۴۰۲
پهمن ۲۵
شماره ۷



تئاتر تلنگری برای دوباره نگریستن



کیان صنعتی رودی

کارشناسی مترجمی زبان، بیرجند، ۹۸



شاید تعریفِ امروزی از تئاتر در نگاه مخاطبان، تعریفی قراردادی باشد که تماشاگر منفعلانه به نظاره کنشی نمایشی می‌نشیند و بعد مدتی درگیر آن بوده و سپس به روزمرگی خود می‌پردازد، اما در میان نگاه‌های متفاوت و نظریه‌های مختلف نسبت به تئاتر، موضوعی که اینجا قابل بحث است نگاه گروتوفسکی به هنر تئاتر می‌باشد. {منبع مورد مطالعه کتاب ۵۰ کارگردان کلیدی تئاتر و نیز تئاتر تجربی بوده است.}

نقاب اجتماعی که به رسم زمانه تبدیل به عنصری جداناپذیر از انسان شده‌است، ما را از اصل خویش باز می‌دارد و بدیهی است نگاه به این هنر صرفاً تفنن، رها شدن و [لحظه‌ای از حال و هوا درآمدن باشد]؛ اما نگاه گروتوفسکی به تئاتر نگاهی است که از تماشاگر می‌خواهد با کنش نمایشی که روی صحنه اتفاق می‌افتد عمیقاً در خود فرورفته و به واکاوی خویش بپردازد، گویی تنشی روانی میان بازیگر و تماشاگر در حال رخ دادن است. گروتوفسکی ایجاد فرهنگ و تئاتری نوین را، حاصل بیرون کشیدن سرزندگیِ نهفته در بشریت می‌بیند و آفرینش مردم عادی چیزی است که گروتوفسکی متوجه آن است.

تقسیم بازیگر و تماشاگر، مسائل گیشه، قلمروهای زیبایی شناختی و منتقدان از جمله مواردی است که گروتوفسکی از آن‌ها فاکتور گرفته و به دنبال آگاهی و احساسات عمیق بشر می‌باشد. مطالعه آن‌چه که در پشت نقاب‌های هر روزی بشریت نهفته شده و تبدیل آن به کنشی نمایشی از نگاه گروتوفسکی باعث ایجاد تنشی روانی میان بازیگر و تماشاگری می‌شود که آگاهانه یا ناآگاهانه در می‌یابد چنین کاری به منزله دعوت آن به انجام دادن کنش درست است و برای بازگشتن به سرچشمه‌های عمیق زندگی این را لازمه کار خود می‌داند.

اما مخاطب امروزی غالباً این موضوعات را پس می‌زند؛ زیرا تمام تلاش روزانه ما، پنهان کردن حقیقت خودمان است. پنهان ساختن این حقیقت درونی نه تنها از دنیا، بلکه از خود واقعی مان و هدف گروتوفسکی آشفته کردن عمیق تماشاگر برای بازنگری خویش است و درک کلمه حضور به معنای واقعی آن.

هر کسی کو دور ماند از اصل خویش

باز جوید روزگار وصل خویش



کفش باز،

امیدواری ارزنده

HOPE

فاطمه نیکومقدم
سردبیر نشریه مکث



حال آنکه دغدغهی اکثریت جامعه مخصوص جوان‌ها کسب‌وکار و درآمد است؛ چه بسا که خواندن کتاب‌هایی از این دست به ما کمک کند که بهتر با خود واقعی‌مان آشنا و روبه‌رو شویم و بتوانیم شخصیت‌مان را با شخصیت‌های مختلفی که در کتاب «کفش باز» معرفی شده‌اند، مقایسه کنیم تا بتوانیم جایگاهمان را در جامعه، دانشگاه، محل کار و خانواده بهتر بشناسیم.

کفش باز، کتابی از خاطرات بنیان‌گذار برند نایکی است که در کتاب کاملاً بی‌پروا و بدون پرده در ارتباط با مسائل و مشکلات از زمان تأسیس تا زمان اوج و رشد شرکت سخن گفته است. در کتاب سعی شده همانند واقعیت شرکت همیشه در همه حال آن حس امیدواری زنده نگه داشته شود، در واقع این حس امید از خود فیل نایت، دوستان و همراهان همیشگی‌اش است که می‌توان آن را به وضوح حس کرد. می‌توانم بگویم اگر کتاب را شروع کنید و با داستان‌های جذاب آن همراه شوید واقعاً از اینکه به پایان کتاب نزدیک می‌شوید، ناراحتی در پس وجودتان حس می‌کنید که اصلاً قابل بیان نیست، زیرا شما آنقدر با کتاب مأنوس می‌شوید که دوست دارید هر روز بیشتر از آن بخوانید و یاد بگیرید.

حال قسمتی از کتاب را می‌خوانیم که در پشت جلد کتاب هم آورده شده است: «هر دونه‌ای این را می‌داند. کیلومترها می‌دوی و می‌دوی، بدون آن که واقعاً دلیلش را بدانی. به خودت می‌گویی به خاطر هدفی این کار را می‌کنی یا دنبال جمعیتی هستی؛ اما دلیل حقیقی دویدن تو آن است که جایگزین آن (یعنی ایستادن) تو را تا سرحد مدگ می‌ترساند. حتی به ایستادن فکر هم نکن تا این که به آنجا برسی و فکرت را زیاد مشغول این نکن که (آنجا) کجاست. هرچه پیش آمد فقط نایست.»



وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَ لَا تَفَرَّقُوا وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ اَعْدَاءً فَالَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ ...
لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ

آل عمران آیه ۱۰۳ |

کمتر از یک روز به آغاز رأی‌گیری دوازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی باقی‌مانده است و تنور تبلیغات و فضای انتخاباتی هر لحظه داغ‌تر می‌شود و کاندیداها و مدعیان تمام تلاش خود را برای پیروزی در این رقابت می‌کنند. اگر اتهام هم‌صدایی با دشمن به ما زده نشود و اجازه داده شود که ما به صحت دیده‌هایی که می‌بینیم و شنیده‌هایی که می‌شنویم، اعتماد کنیم باید به این واقعیت که عده کثیری از افراد، مشارکت سیاسی را فاقد اعتبار و اثربخشی می‌دانند و نمی‌خواهند رای دهند، اعتراف کنیم.

اگر شما نیز همانند ما، به جای انکار لسانی این حقیقت، پای صحبت آن‌ها بنشینید و از گفته‌های آنان اشتراک بگیرید؛ متوجه خواهید شد که رقابت موجود، مطلوب این افراد نیست و در انتها به یک مسئله واحد می‌رسید و آن مسئله، یک سؤال است: کدام انتخاب؟

باری با وجود تمام واقعیت‌ها؛ ما در انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، فارغ از این موضوع که اعضا به شخصه رای خواهیم داد یا خیر، بر خود تکلیف دیدیم تا در گام نخست صدای آنانی باشیم که نسبت به کنشگری سیاسی ناامید هستند و به اشتباه مطالبات خود را در تحریم دموکراسی می‌جویند و در گام دوم بکوشیم برای حفاظت و پاسداری یکی از مهم‌ترین ثمرات انقلاب اسلامی، پس از ۲۵۰۰ سال نظام سلطنت شاهنشاهی، یعنی جمهوریت بکوشیم. تلاش ما این بود تا با برگزاری رویداد هایی به دانشجویان یادآوری کنیم که چرا دموکراسی و انتخابات تنها در چرخه اصلاح کشور بوده و چرا باید به جای تحریم انتخابات و پشت کردن همیشگی به صندوق های رای، مطالبات و مصلحت عمومی را از طریق انتخابات پیگیری کرد؟

دو برنامه شاخص و مطرح مد نظر ما، ابتدا نشست علمی آکادمیک بررسی ریشه‌ها و آینده مشارکت سیاسی در ایران و سپس مناظره ای تحت عنوان «انتخابات روزه یا بن بست» بود.

باید خدمت مخاطبین عزیز انجمن اسلامی خاطر نشان کنیم که به دلیل محدودیت های اعمال شده توسط دانشگاه، امکان دعوت از یک فرد مخالف مشارکت در انتخابات به تنهایی و برگزاری رویداد یک طرفه را نداشتیم و موظف به برگزاری برنامه‌ها به صورت دو طرفه و فراهم کردن زمینه تقابل اندیشه‌های موافقین و مخالفین بودیم.

اما متأسفانه بدین وسیله به اطلاع می‌رساند؛ علی‌رغم تمام تلاش‌های صورت گرفته و کوشش همه جانبه اعضای انجمن اسلامی و مساعدت های اعضای ادوار و سایر تشکل های دانشجویی و مسئولین، موفق به برگزاری رویداد های مذکور به دلیل عدم قبول دعوت، از سمت موافقین مشارکت در انتخابات نشدیم. معیار ما برای دعوت میهمانان شایستگی علمی افراد و توانایی آنها در اثبات علمی منطقی گزاره‌ها و جهان بینی خود بود که متأسفانه این ملاک و معیار از سوی مدعیان ارزشی بودن و انقلابی گری پذیرفته نشد و هیچ کدام از افرادی که با آنها تماس صورت گرفت حاضر به حضور و پاسخگویی در مورد آرمان‌ها و ایده‌های خود نشدند.

با توجه به رقابت شدید اما یک طرفه میان موافقین در انتخابات مشهد، ما نیز دغدغه‌های انتخاباتی این افراد را محترم شمرده و دلایل این سروران برای عدم حضور در جمع دانشجویان را محترم می‌شماریم، اما امید داریم با اتمام انتخابات شاهد حضور و تبیین علمی منطقی ارزش‌ها و هنجارهای مورد نظر از سوی این سروران بزرگوار باشیم.

به امید نهایی مستضعفین جهان

«ما حرف های خود را با مکتب می زنیم»

این یکی از شعارهاییست که سال ها در مکتب بکار برده می شد. حقیقت این است که در این سال ها که امید ها سرد شده و فعالیت های جمعی رو به خاموشی گذاشته، نشر نشریه ای مانند مکتب که کاملاً داوطلبانه اداره می شود و بودجه مشخص و کاملی هم ندارد، بسیار دشوار است.

هر ساله در دانشگاه فردوسی مشهد جشنواره ای جهت ارزیابی نشریات دانشگاه برگزار می شود که در آخرین دوره ی آن ماهنامه ی مکتب به صاحب امتیازی انجمن اسامی موفق به کسب جوایز زیر شد:

در بخش نشریات برتر موفق به کسب رتبه برتر نشریات سیاسی بیست و یکمین و بیست و دومین جشنواره نشریات دانشجویی

و در بخش آثار برتر:

جناب آقای رضا رزاقی موفق به کسب مقام شایسته تقدیر در رسته سرمقاله و یادداشت، با سرمقاله «رقابت های ملی روضه خوانی» و همچنین نویسنده برتر بیست و یکمین جشنواره نشریات دانشجویی

جناب آقای احمد یوسفی موفق به کسب رتبه برتر در رسته مقاله دینی و قرآنی، برای مقاله «نگاهی به آیه حجاب» و در رسته خبر و تحلیل خبر، برای تحلیل خبر «علیه فراموشی»

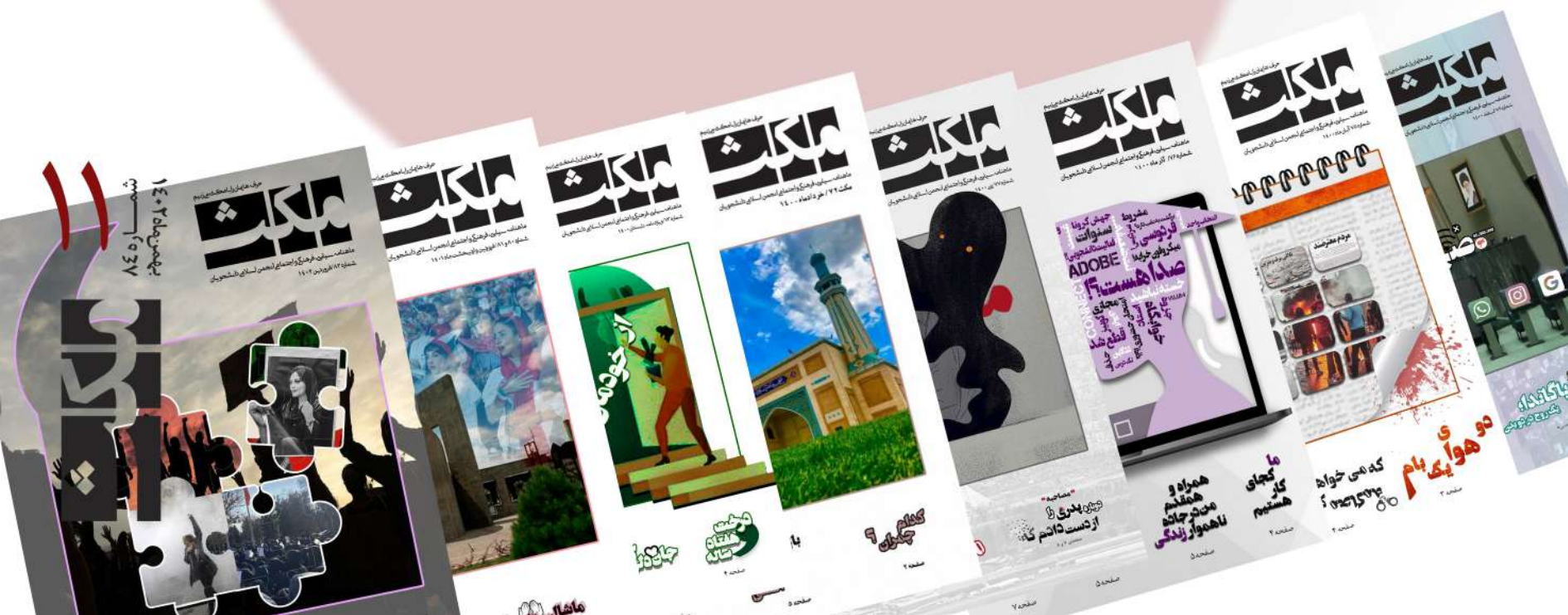
سرکار خانم فاطمه لحاظی موفق به کسب رتبه برتر در رسته مقاله سیاسی، برای مقاله «عنوان دیپلماسی، پیشران قدرت استراتژیک»

جناب آقای سیدعلیرضا حسینی موفق به کسب دو مرتبه رتبه برتر در رسته سرمقاله و یادداشت، برای سرمقالات «تحقیر شدید» و «حواستان باشد»

جناب آقای محمدصادق مصحفی موفق به کسب رتبه برتر در رسته مقاله اجتماعی، برای مقاله «درد نان، رنج جان»

جناب آقای امیرحسین اکبری موفق به کسب مقام شایسته تقدیر در رسته طنز و کاریکاتور، برای طراحی «اندر خم تحصیل مجاز»

آقای محمد جولائی شکیب موفق به کسب مقام شایسته تقدیر در رسته طراحی و صفحه آرایی، برای صفحه آرایی نشریه شماره ۶۹ مکتب



خیریه
نیکان

نیکان عزیز سلام!
امیدواریم که حالتون عالی باشه.

داریم به موعد تهیه بسته‌های معیشتی این ماه نزدیک میشیم اما به تفاوت اساسی با ماه‌های قبل داره!

اینکه این ماه علاوه بر اقلام مورد نیاز قبل ما تصمیم گرفتیم که برای خانواده‌های نیکان میوه و شیرینی شب عید هم تهیه کنیم...

ما در این ماه ۴ خانواده‌ی نیکانی داریم؛ متشکل از ۲ خانوادگی ۷ نفره، یک خانوادگی ۶ نفره و یک خانوادگی ۴ نفره و برای خوشحال کردن شون جمعاً به ۷ میلیون تومان نیاز داریم و مثل همیشه بعد از خدا، امیدمون به کمک‌های صمیمانه‌ی شماست.



کرچه برسکر پیمان خنم یادست ولی
با چو حکیم که تا سرود جان بدسیم

ماهنامه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی **هکات**

شماره ۸۳ و ۸۴ - دی و بهمن ماه ۱۴۰۲

صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد

دارای مجوز به شماره ۹۸۳۷۰۲ از کمیته ناظر بر نشریات دانشگاه فردوسی مشهد

مدیر مسئول: صالحه راهداری

سردبیر: فاطمه نیکومقدم

دبیر تحریریه: ریحانه سالارزاده

طراح نشریه: ریحانه سالارزاده، فاطمه نیکومقدم، مهلا رجیبی،

صالحه راهداری

صفحه آرا: فاطمه نیکومقدم

ویراستار: فاطمه بیداد، باران هاشمی

هئیت تحریریه:

صالحه راهداری، فاطمه نیکومقدم، سید علیرضا حسینی، مهسا محمدی، احمد یوسفی،

سجاد غلامی، سیدمحمد صالح قائمی‌راد، مهرداد فدایی دولت، حسام الدین نظام، کیان

صنعتی رودی



نیکان